

سال بیستم ✨ شماره ۴۹۳۰
چهارشنبه ۱۱ مهر ۱۴۰۳
۲۸ ربیع الاول ۱۴۴۶
Vol.20 ✨ No.4930
Wednesday ✨ 20 OCT 2024

صفحه ان زیبا

ز دل هاهمه ترس بیرون کنیم

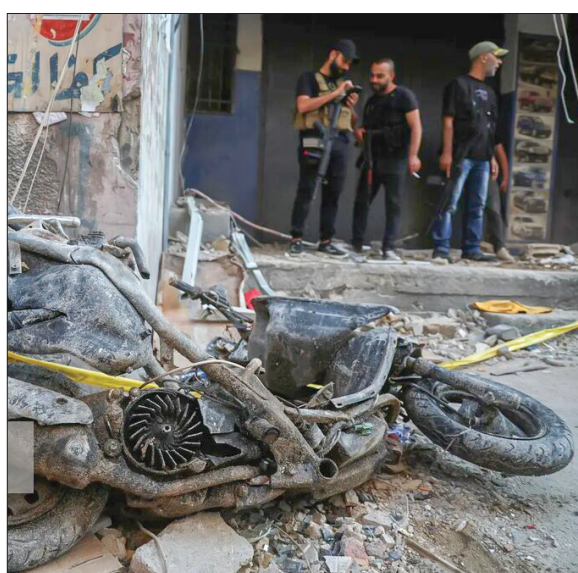
پس از حمله گسترده موشکی ایران به سرزمین های اشغالی

باید آماده برداشتن گام های بلندتر باشیم

- ✨ اگر صلح می خواهی، برای جنگ آماده باش
- ✨ روزهای خدا را به یاد آوریم
- ✨ چرا جنگ؟ آیا تصمیم دیگری وجود ندارد؟
- ✨ جنگ وجودی
- ✨ عاقبت بد عهدی با خدا
- ✨ آخرین گفت و گو
- ✨ موقعیت مرگ و زندگی
- ✨ ایران یا اسرائیل؟
- ✨ این بار چندم است...

بیاتاجهان را به بد نسپریم

تصاویری از جنایات صهیونیست ها در روزهای گذشته که نشان می دهد سکوت بین المللی در برابر این جنایات هابه تشدید خوی وحشی گری تروریسم دولتی منجر خواهد شد



جنگ وجودی! حال وروز امروز منطقه

حسین نوروزی

شاید « جنگ و جودی» تعبیر عجیبی باشد. وقتی موجودیت کسی به خطر بیفتد، دست به مواجهه‌ای می‌زند و کارهایی می‌کند که در عمرش سابقه نداشته است.

در این موقع، بالاترین توانایی جسمی و ذهنی اش برای بقا بروز پیدا می‌کند و در این لحظه از موش به خدنگ تبدیل می‌شود. دیگر از مظلوم نمایی و موش مردگی دست می‌کشد و جنگ و دندان نشان می‌دهد.

وضعیت اسرائیل الان این است. او به تصریح خودش، این جنگ را وجودی می‌داند. همه قرائن نیز حاکی از همین امر است. به بیمارستان حمله می‌کند. چند صد نفر از مردم عادی را یکجا می‌کشد. به اعتراض‌های جهانی کاری ندارد و انواع و اقسام جنایت‌ها را مرتکب می‌شود.

اما این جنگ نه‌تنها برای اسرائیل که برای آمریکا و حضور او در غرب آسیائیز وجودی است؛ برای همین از اعتبار و آبروی جهانی‌اش گذشته و نقاب‌ها را کنار گذاشته است.

همه چیز نشان می‌دهد در یک لحظه تاریخی به‌سر می‌بریم. لحظه‌ای که برای «جبهه مقاومت» نیز وجودی است. از من قبول نمی‌کنید، از رهبری بشنوید:

«شرایط کنونی منطقه به گونه‌ای است که هم برای دشمن صهیونیستی شرایط مرگ و زندگی است و هم برای جبهه حق.»
مائیز در لحظه‌ای هستیم که یا هر سرمایه‌ای که در این چند دهه به دست آوردیم، از دست می‌دهیم و از این به بعد نه‌تنها حیثیت و آبرویی نخواهیم داشت، بلکه امنیت ما نیز پایمال آمریکا، اسرائیل و حتی کشورهای ضعیفی چون آذربایجان، بحرین و... در منطقه می‌شود یا اینکه...»
دیگر اکنون عقب‌نشینی ما، عقب‌گرد به قبل از ۷ اکتبر نیست؛ حتی به قبل از انقلاب ۵۷ نیست. اگر فکر می‌کنید اغراق می‌کنم و باورتان نمی‌شود، سخنان نتانیاهو را گوش کنید. کارویژه نتانیاهو از روز اول، ایران و مهار آن بود. وقتی ما مظاهرا کاری به او نداشتیم، حتی وقتی در حال تنش‌زدایی بودیم، دانشمندان تأسیسات هسته‌ای ما را زد. منطق جنگ همین است. اما الان و در میانه جنگ وجودی چه خواهد کرد؟!

وقت تصمیم بزرگ است که اگر نگیریم، شکست بزرگ در انتظار است. سخنان سران اسرائیل، به‌خصوص نتانیاهو را در این مدت شنیدید؟ «سر مار در ایران است.» او در سازمان ملل نیز فقط از ایران گفت.

حالا این جانی، مجنون نیز شده است؛ مست از کشتن دشمن ۳۰ساله‌ای که اولین شکست‌های تاریخ اسرائیل را تحمیل کرد. می‌دانید فرامتن شهادت سید حسن چیست؟ نماد شکست اسرائیل حذف شده است. اسرائیل الان در جایی است که عریده می‌کشد و بقیه را تهدید می‌کند. به آمریکا می‌گوید: «کمی فرصت بدهید. نظم جدید را حاکم می‌کنم. دیگر زمان به عقب برنمی‌گردد. در جنگ و جودی من، دیگر جایی برای ایران و نیابتی‌هایش نیست؛ چه برسد به خط قرمزهایشان!»

حالا هم اسرائیل جان تازه گرفته است؛ هم آمریکا! به‌خصوص که پالس‌های ضعیف هم دریافت کرده؛ بگذریم.

اما نترسید؛ ما نیز در جنگ و جودی هستیم. ما هم از گریه به یوزپلنگ تبدیل می‌شویم؛ فقط باید باور کنیم و اراده داشته باشیم. اصلا ما دهه‌هاست با همین وضعیت و جودی رویه‌رو بودیم و برای بقایمان در خانه‌هایمان جنگیدیم.

الان و در این وضعیت، دیگر سخن از مذاکره، چک سفیدامضا به اسرائیل و حرامی از مرز خوزستان آغاز کرد و این خرمیان از تهران. اسرائیل به‌ویژه در این یک‌ساله، صریح و بی‌خجالت نشان داده که در ظلم، عادل است و بین بزرگ و کوچک، نظامی و غیرنظامی، حزب‌اللهی و غیرحزب‌اللهی، شیعه و سنی و مسیحی تفاوتی نمی‌گذارد و جان‌ها همه به یک مقدار برایش بی‌مقدارند.

اما جنگ افروزی و وحشی‌گری این روزهای اسرائیل از سر شجاعت نیست؛ که دل‌های خالی از ایمان‌شان از ترس و خوف آکنده است و به سخن قیآن «ترسشان از شما بیشتر از ترسشان از خداست.»

از آغاز تشکیل دولت اسرائیل، این رژیم پلید همواره موقعیت متزلزلی داشته، ولی هیچ‌وقت چون الان به فنا نزدیک، و ترسان نبوده است؛ به‌خصوص که سلاح و سپر اصلی و بهانه موجودیتش، یعنی مظلوم‌نمایی و فریب ملت‌ها را هم یک‌سره کنارگذاشته و از دست داده و این خود از سر استیصال و ترس‌خوردگی است.

به قول خودشان این جنگ، جنگ موجودیت اسرائیل است. این سرطان بدخیم، برای بقایش می‌جنگد و برایش چه بهتر که یک بار برای همیشه هر سدی را که مزاحم حیات و گسترشش به تمام منطقه است، قدم به‌قدم درگیر و نابود کند.

سرطان صلح‌جو نیست؛ آن‌هم در مرحلهٔ متاستاز، و مبارزه‌نکردن با آن مساوی مرگ است. ازقضا این سرطان شیطانی اهل محاسبه است. اگر بترسیم و کوتاه بیاییم، جلو می‌آید و متوقف نمی‌شود؛ اما اگر با ایمان به وعدهٔ نصرت الهی، شجاعانه و هوشمندانه دفاع کنیم، پیروزم ان‌شاءالله.

غزه را ویران کردند و به‌شدت مشتاق‌اند که همین بل‌را سر لبنان،

یمن، سوریه، عراق و ایران بیاورند. اگر برای بار هزارم فریب دروغ‌های دولتمردان آمریکا نخورده بودیم و سر وقتش انتقام شهادت مهمانمان در تهران را گرفته بودیم، به‌احتمال زیاد اکنون عزادار سید مقاومت و هزاران انسان بی‌گناه دیگر نبودیم. اگر باز فریب بخوریم و تعلل کنیم، معلوم نیست در آینده‌ای نزدیک باید عزادار کدام عزیزمان باشیم.

پس یا همه، یا هیچ.

موقعیت مرگ و زندگی در منطقه چه می‌گذرد؟

فرشاد توسلی

موقعیت مرگ و زندگی یعنی شرایطی به‌وجود آمده است که دو دشمن قدیمی الان در یک‌قدمی پایان دوتل هستند. مهم این است که کدام‌یک با تمرکز فراوان و قدرت بیشتری، طرف مقابلش را نشانه‌برد.

امروز ایران و اسرائیل به این نقطه رسیده‌اند. اسرائیل تمرکز بر هدف را شروع کرده و به این باور رسیده است که با وجود ایرانی قوی و مستقل نمی‌تواند با آرامش زندگی کند؛ نمی‌تواند بر منطقه حساس خاورمیانه مسلط باشد؛ نمی‌تواند سیاست‌های آمریکا را پیش‌برد. یا باید استقلال ایران را از کار بیندازد یا قدرت او را. معلوم است که این‌ها درگرو یکدیگر هستند. اسرائیل باید ایران را تا جای ممکن ضعیف کند و تا سال‌ها امکان قوی شدن به او ندهد و امروز اسرائیل این عملیات را شروع کرده است. ما باید چه کار کنیم؟ می‌توانیم با فکرت کردن به اینکه شروع جنگ، دلار و طلا و یورس را به هم می‌ریزد، تمرکزمان را بیابیم و بعد، با شلیک اسرائیل، تمام دارایی‌مان به باد برود. اسرائیل و آمریکا بعد از جمهوری اسلامی تا چندین دهه، برای سرکوب ایران بهانه دارند. هیچ زیرساخت مستحکمی را برای زندگی مردم ایران باقی نخواهند گذاشت و یک زندگی قطره‌چکانی را به مردم ایران تحمیل خواهند کرد.

می‌توانیم با یادآوری کله‌مندی‌مان از یکدیگر، قدرت ملی‌مان را تضعیف کنیم و بعد، با شلیک اسرائیل، زیر چکمه آدم‌کش‌ترین نیروهای عالم برویم.

می‌توانیم مثل بقیه روزها، بی‌سر و صدا زندگی عادی‌مان را ادامه بدهیم و بعد با صدای موشک‌های چندصدتنی، جنازه بچه‌هایمان را از زیر آوار بیرون بکشیم. این نکته، فراموشمان نشود که دشمن، وقتی به سمت شلیک می‌رود که طرف مقابلش را در نقطه قوت احساس کند. اینکه اسرائیل، و حشیانه می‌زند، به خاطر این است که باور دارد، توان ایران برای ایستادن در مقابل زیاده‌خواهی اسرائیل، بالاست.

باید تمرکز کنیم. جنگ شروع شده است و از آن گریزی نیست. باید قوی و قاطع باشیم. ما روزهای سخت‌تری را هم پشت سر گذاشته‌ایم و توان عبور از چالش موجود را هم داریم.

چرا جنگ؟ آیا تصمیم دیگری وجود دارد؟

محمدحسین ملکیان

ما قرار نیست درگیر جنگ شویم. ما درگیر جنگ شده‌ایم، جنگی که ما شروع‌کننده‌اش نیستیم تا انتخاب کنیم که درگیرش بشویم یا نشویم.

از مدت‌ها پیش اینکه «ایران دشمن اصلی است» ترجیح‌بند حرف‌های سران اسرائیل بوده است و امروز به صراحت اعلام می‌کنند که بعد از غزه و لبنان، نوبت ایران است.

این جنگ تحمیلی است؛ مثل جنگی که صدام به ما تحمیل کرد؛ آن حرامی از مرز خوزستان آغاز کرد و این خرمیان از تهران. اسرائیل به‌ویژه در این یک‌ساله، صریح و بی‌خجالت نشان داده که در ظلم، عادل است و بین بزرگ و کوچک، نظامی و غیرنظامی، حزب‌اللهی و غیرحزب‌اللهی، شیعه و سنی و مسیحی تفاوتی نمی‌گذارد و جان‌ها همه به یک مقدار برایش بی‌مقدارند.

اما جنگ افروزی و وحشی‌گری این روزهای اسرائیل از سر شجاعت نیست؛ که دل‌های خالی از ایمان‌شان از ترس و خوف آکنده است و به سخن قیآن «ترسشان از شما بیشتر از ترسشان از خداست.»
از آغاز تشکیل دولت اسرائیل، این رژیم پلید همواره موقعیت متزلزلی داشته، ولی هیچ‌وقت چون الان به فنا نزدیک، و ترسان نبوده است؛ به‌خصوص که سلاح و سپر اصلی و بهانه موجودیتش، یعنی مظلوم‌نمایی و فریب ملت‌ها را هم یک‌سره کنارگذاشته و از دست داده و این خود از سر استیصال و ترس‌خوردگی است.

به قول خودشان این جنگ، جنگ موجودیت اسرائیل است. این سرطان بدخیم، برای بقایش می‌جنگد و برایش چه بهتر که یک بار برای همیشه هر سدی را که مزاحم حیات و گسترشش به تمام منطقه است، قدم به‌قدم درگیر و نابود کند.

سرطان صلح‌جو نیست؛ آن‌هم در مرحلهٔ متاستاز، و مبارزه‌نکردن با آن مساوی مرگ است. ازقضا این سرطان شیطانی اهل محاسبه است. اگر بترسیم و کوتاه بیاییم، جلو می‌آید و متوقف نمی‌شود؛ اما اگر با ایمان به وعدهٔ نصرت الهی، شجاعانه و هوشمندانه دفاع کنیم، پیروزم ان‌شاءالله.

غزه را ویران کردند و به‌شدت مشتاق‌اند که همین بل‌را سر لبنان، یمن، سوریه، عراق و ایران بیاورند. اگر برای بار هزارم فریب دروغ‌های دولتمردان آمریکا نخورده بودیم و سر وقتش انتقام شهادت مهمانمان در تهران را گرفته بودیم، به‌احتمال زیاد اکنون عزادار سید مقاومت و هزاران انسان بی‌گناه دیگر نبودیم. اگر باز فریب بخوریم و تعلل کنیم، معلوم نیست در آینده‌ای نزدیک باید عزادار کدام عزیزمان باشیم.

زدل‌ها همه ترس

در جنگ، دشوار است که احساس طرف مقابلت را حس کنی؛ مخصوصاً وقتی ترسیده‌ای، باورش برایت سخت می‌در منطقه‌ای بیگانه، دزدکی تشکیل شده‌و از صفر پیدایش، وارد جنگ شده است و می‌داند پیرامونش، همه به‌خون دشمنت، از اساس در نقطه ترس متولد شده است، تو دست برتر را خواهی داشت؛ به شرطی که این وضعیت را بر بپوشاند و جعلی‌بودنش را پنهان کند. به اعتراف ترامپ، اسرائیل از همدست شدن در ترور شهید سلیمانی واهمه دا می‌کند هم نظام محاسباتی فرماندهان میدانی و سیاسی محور مقاومت دچار اختلال شده و هم جنگ ادراکی روز اسرائیل هم همین جاست: تصمیم قاطع فرماندهان و همراهی شجاعانه مردمی. هر دو باید این احساس اسر فرماندهان، نگرانی آن‌ها از فضای عمومی جامعه است. باید به این مارپیچ سکوت غلبه کرد. پای ایران وسط است موشک‌های نظامیان شوند. در ایران هیچ‌وقت کسی به استقبال جنگ نظامی نرفته است. انقلاب اسلامی ایران به جنگ نزدیک شدیم؛ اما به تدبیر رهبری حکیم، جنگ نشد. این نباید به معنای ترس ما از جنگ قلمداد شود. راهبرد مستقیمی نداشته باشیم؛ اما گاهی برای پرهیز از جنگ و خون‌ریزی بیشتر، باید شجاعانه جنگید. به تعبیر افلاطون:

ضد صلح‌ترین پیغام، «نه» به جنگ است:

آن‌که جنگ آرد به خون خویش بازی می‌کند
روز میدان، وان‌که برگریز به خون لشکری
فقط فرض کنبد، امام و مسنولان کشور و عموم مردم،
روز اول حمله صدام، می‌ترسیدند و به جنگ «نه» می‌گفتد
و دم از صلح‌دوستی می‌زدند.
قلمم شرم دارد که بنویسد امروز چه بر سر ما و ایرانمان می‌آمد؛ امروز هم باید همگی ترس را از دل بیرون کنیم....

فراموشی و دشمنی

دیدید
گاهی
چقدر خوب
با هم دوست
می‌شیم!
چقدر راحت
صمیمی می‌شیم!
چقدر راحت دشمنی‌هایی که بین ماست،
فراموش می‌شه!
خیلی راحت!
و البته گاهی هم، کاملاً قصه برعکس می‌شه.
راحت دعوا مون می‌شه.
نمی‌تونیم با هم بسازیم.
همش با هم درگیریم.
اعصاب هممون هم خراب می‌شه.
راز این دوستی‌ها و دشمنی‌ها چیه؟
چرا بعضی از خاطرات بچه‌های جبهه را که می‌شنویم، می‌بینیم این قدر قشنگ قریبون هم می‌رند!
اصلاً انکار در اون سال‌های جنگ ایران و عراق، یه رابطه دیگه‌ای بین قلب‌هاشون بوده؛
اصلاً اگر هم رانمی‌دیدند، می‌مردند!
ولی بعد همون بچه‌های جبهه، در این بازی‌های سیاسی اخیر، انکار دشمن جونی هم می‌شوند!
راز این دوستی‌ها و دشمنی‌ها چیه؟
آقا! قلب‌ها دست خداست و خودش خیلی وقت‌ها، نکته را به ما گفته:
«وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصْرُؤُا أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبُغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ...» (مانده: ۱۴).
خدا می‌گه: با این رفقای مسیحی، قول وقراری داشتیم؛ از کسانی که ادعا می‌کردند «مسیحی واقعی ماییم»، تعهد محکم گرفتیم؛ اما! اما آن‌ها هم، بخش مهمی از حرف‌هایی که آن‌ها را به خود می‌آورد، فراموش کردند.
ما هم بيشان تار و زرقیامت، دشمنی پایدار و کینه ریشه‌دار انداختیم.
خدا می‌گه بخشی از تذکرات را فراموش کردند و برای همین، دشمن هم شدند!
یکی از این تذکرها خدا، خود حکو جهان است؛
خیلی از چیزهایی که ما فکر می‌کنیم اصل دین است، اصلاً در قرآن درباره‌اش، توضیحی داده نشده!
اما به از نکته‌هایی که برای ما خیلی کم‌رنگ است، خیلی خیلی، در قرآن پررنگ است.
یکی از این نکته‌های پررنگ، همین ج ما باید اهل جهاد و جنگ باشه؛
حتی در زمان صلح!
خدا از ما می‌خواه که آن قدر آماده جهاد باشیم تا دشمن از ما بکنه (انفال: ۶۰).
تازه این مال شرایط جنگ نیست!
الان که دیگه جنگ با اسرائیل شروع شده!
برگردم به حرف اصلی!
خدا گفت که وقتی مسیحیان تذکرها را فراموش کردند، پيشنwon دیگه دوستی نمودند!
یه نگاهی با همه یک‌صدا بشیم که «مرگ بر اسرائیل» و آماده جهاد بشیم، در اوج همراهی و دوستی قرار می‌گیریم!
اما وقتی جهاد همون بلایی که سر مسیحیان اومد، سر ما هم بیاد!
یعنی دشمنی و کینه‌ای بین ما بیفته که دیگه حل نشه!

